



به این نتیجه‌رساند که در مقابل دشمن، کمترین انعطاف و کمترین عقب‌نشینی و کمترین نرمش، به پیشروی دشمن می‌انجامد. در میدان روبرویی، دشمن از عقب‌نشینی طرف مقابل، دلش به رحم نمی‌آید. هر یک قدم عقب‌نشینی ملت مبارز در مقابل دشمنان، به معنای یک قدم جلو آمدن دشمن و مسلط شدن اوست. این، یکی از مظاهر عقلانیت امام بزرگوار بود. «۹۰/۳/۱۴ بنابر این یکی از تجربه‌های مهم ملت ایران این است که «انعطاف در مقابل این دشمن - به‌خاطر مصلحت‌سنجی‌های موسمی‌ای که خب‌مادر یک‌مواردی داریم - تیغ دشمنی او را کند نخواهد کرد، بلکه او را گستاخ‌تر خواهد کرد... یک تجربه‌ی دیگر، نقطه‌ی مقابل این است و آن، این است که ایستادگی در مقابل آنها، امکان بسیار زیاد عقب‌نشاندن آنها را دارد.» ۹۷/۳/۲

● **یک تجربه مهم**
تجربه‌ی مذاکرات هسته‌ای در اوایل دهه‌ی ۸۰ با روابی‌ها نمونه‌ی بارز این موضوع است. «در سال ۸۳ و ۸۴ همه‌ی تأسیسات ما تعطیل بود دیگر؛ می‌دانید که کارخانه‌ی یوس‌اف اصفهان را مَهر و موم کرده بودیم به‌خاطر همین مذاکراتی که کرده بودیم و برای اینکه پرونده‌ی جمهوری اسلامی عادی بشود...» ۳۰

این توجیه که یک نگاه مبتنی بر "احساس و هیجان" است و بنابر این غیرعقلانی، سعی بر محکوم کردن نگاه انقلابی دارند. در حالی که «این خطا است؛ عقلانیت واقعی هم در انقلابی‌گری است. نگاه انقلابی است که می‌تواند حقایق را به ما نشان بدهد.» ۹۶/۳/۱۴ این عقلانیت انقلابی البته نگاهی صرفاً ذهن گرایانه و آرمانی نیست، بلکه برخاسته از "تجربه‌ی واقع‌بینانه‌ی" چهل ساله‌ی ملت ایران است. «مقدمه‌ی لازم هر تصمیمی این است که ما به تجربه‌های گذشته‌ی خودمان مراجعه کنیم؛ من جُزب‌المجرب حُلّت به‌الندامه؛ اگر از تجربه‌ها درس نگیریم، قطعاً ضرر خواهیم کرد. باید تجربه‌ها را در مقابل چشم خودمان بگذاریم، ملاحظه کنیم و از این تجربه‌ها درس بگیریم.» ۹۷/۳/۲ برای مثال، بی‌اعتمادی به دشمن و در مقابل آن ایستادن، یکی از درس‌های عقلانیت مکتب امام خمینی (ره) است که در طول سال‌های بعد از انقلاب اسلامی، همواره آن را تجربه کرده‌ایم. «امام به دشمن اعتماد نکرد. بعد از آنکه دشمن ملت ایران و دشمن این انقلاب را درست شناخت، در مقابل او مثل کوه ایستاد. آن کسانی که خیال کردند و خیال می‌کنند عقل اقتضاء می‌کند که انسان گاهی در مقابل دشمن کوتاه بیاید، امام درست نقطه‌ی مقابل این تصور حرکت کرد. عقلانیت امام و آن خرد پخته‌ی قوام‌یافته‌ی این مرد الهی، او را

«مکتب امام یک بسته‌ی کامل است، دارای ابعادی است؛ این ابعاد را باید با هم دید... دو بُعد اصلی در مکتب امام بزرگوار ما، بُعد معنویت و بُعد عقلانیت است. بُعد معنویت است؛ یعنی امام بزرگوار ماصراً با تکیه‌ی بر عوامل مادی و ظواهر مادی، راه خود را پی نمی‌گرفت... و در بُعد عقلانیت، به کار گرفتن خرد و تدبیر و فکر و محاسبات، در مکتب امام مورد ملاحظه بوده است.» ۹۰/۳/۱۴ این عقلانیت اما با نگاه محافظه‌کارانه و حفظ وضع موجود به هر قیمتی تفاوت دارد. «عقلانیت و محاسبه که می‌گوییم، فوراً به ذهن نیاید که عقلانیت و محاسبه به معنای محافظه‌کاری، عقل‌گرایی و تابع عقل بودن است. عاقل بودن و خرد را به کار گرفتن با محافظه‌کاری فرق دارد. محافظه‌کار، طرف‌دار وضع موجود است؛ از هر تحولی بیمناک است؛ هر گونه تغییر و تحولی را بر نمی‌تابد و از تحول و دگرگونی می‌ترسد؛ اما عقلانیت این طور نیست؛ محاسبه‌ی عقلانی گاهی اوقات خودش منشأ تحولات عظیمی می‌شود. (مثلاً) انقلاب عظیم اسلامی ماناشی از یک عقلانیت بود.» ۸۴/۶/۸

● **بی‌اعتمادی به دشمن، درس بزرگ عقلانیت امام**
از سویی دیگر، برخی افراد و جریان‌ها نیز با طرح مفهوم عقلانیت، با

۴ شرح حدیث	خانواده ایرانی ۴	پرسش و پاسخ ۲
با این وسیله دل مردم را به سمت خود جذب کنید	زن در خانه مستخدم نیست	آیامی توان با توجیهات انقلابی مقابل قانون قرار گرفت؟

شما شهادت را درست فهمیدید و با آن عاشقانه برخورد کردید | این شماره تقدیم می‌شود به ارواح طیبه شهدای عملیات والفجر مقدماتی

وقتی انسان می‌داند که مرگ عبارت از عروج به ملکوت الهی و پیوستن به ارواح اولیاست، چه اهمیت می‌دهد که کی این مرگ فرا برسد؟ مرگ برای او، عبور از یک مرحله است؛ «وقت مردن آمد و جستن ز جو». انسان حرکتی از جوی می‌کند؛ هر چه هست، در یک لحظه است؛ بعد نعیم بی‌بدیل و بی‌مثال الهی است؛ شما این گونه فکر می‌کردید. اگر کسی این طور فکر نکند، آن گونه خود را عاشقانه در معرض کشته شدن قرار نمی‌دهد. شما شهادت را درست فهمیدید، درست معنا کردید و با آن عاشقانه برخورد نمودید. ۷۰/۱۱/۸۰

آیامی توان باتوجهات دینی یا انقلابی مقابل قانون قرار گرفت؟



این هیچ مجوز آن نیست که کسانی به بهانه‌ی این که اطمینانشان سلب شده، قانون شکنی کنند. قانون شکنی جرم است. تخلف از قانون و خروج از مدار قانونی برای مقابله با هر چیزی که به نظر انسان منکر می‌آید - بدون اجازه‌ی حکومت - خودش یک جرم است؛ مگر نهی از منکر زبانی، که بارها گفتیم نهی از منکر زبانی جایز و واجب و وظیفه‌ی همه است و در هیچ شرایطی هم ساقط نمی‌شود؛ اما آن جایی که نوبت اجرا و عمل برسد، همه باید طبق قوانین عمل کنند. هیچ چیزی مجوز این نیست که بگویند چون نیروی انتظامی و قوه‌ی قضائیه عمل نکردند، خودمان وارد میدان شدیم؛ نخیر، آن روزی که لازم باشد مردم برای حادثه‌ای خودشان وارد عمل شوند، رهبری صریحاً به آنها خواهد گفت. ۸۰/۵/۱۱

روش تحلیل سیاسی

اگر از واژه‌های بیگانه وام بگیریم فضا آشفته خواهد شد

یکی از چیزهایی که در هر حرکت عمومی و در هر نهضت لازم است، این است که بر اساس تفکرات و مبانی پایه‌ای این نهضت و این جریان، هم بایستی «واژه‌سازی» بشود، هم بایستی «تهادسازی» بشود. وقتی یک فکر جدید - مثل فکر حکومت اسلامی و نظام اسلامی و بیداری اسلامی - مطرح می‌شود، مفاهیم جدیدی را در جامعه‌ی لقاء می‌کند؛ لذا این حرکت و این نهضت باید واژه‌های متناسب خودش را دارا باشد؛ اگر از واژه‌های بیگانه وام گرفت، فضا آشفته خواهد شد، مطلب ناگفته خواهد ماند. ۹۰/۷/۲۲

چند روایت معتبر از پیشرفت‌های علمی ایران از زبان رهبر انقلاب

اول انکار می کردند!

اسفندماه سال ۷۹، رهبر انقلاب به دانشگاه امیر کبیر رفته و در جمع دانشجویان حاضر شدند. در آن دیدار، رهبر انقلاب «وظیفه‌ی آرمانی دانشگاه» را «تولید علم» معرفی کرده و فرمودند: «آنچه که برای یک محیط علمی و دانشگاهی وظیفه‌ی آرمانی محسوب می‌شود، این است که در زمینه‌ی مسائل علمی، نوآندیش باشد. معنای واقعی تولید علم این است. تولید علم، فقط انتقال علم نیست؛ نوآوری علمی در درجه اول اهمیت است. این را من از این جهت می‌گویم که باید یک فرهنگ بشود. ۷۹/۱۲/۹ از آن روزها تا به امروز، ۱۸ سال می‌گذرد و حالا گفتمان تولید علم، به گفتمان عمومی مجامع علمی و دانشگاهی تبدیل شده است. در طول این سال‌ها پیشرفت‌های علمی ایران آنقدر زیاد و بی‌شمار است که پرداختن به همه‌ی آنها، نیازمند چندین جلد کتاب است. اطلاع‌نگاشت این هفته‌ی ما روایت رهبر انقلاب است از برخی از این رشد‌ها و پیشرفت‌ها.

۱- تولید علم به گفتمان قطعی تبدیل شده

یک روزی یک چیزهایی گفته می‌شد که به گوش هاستگین می‌آمد. من یک روزی مسئله‌ی «تولید علم» را مطرح کردم، بعد دیدم بعضی جاهانشسته‌اند روی کلمه‌ی «تولید علم» دارند خدشه می‌کنند - حالا یک مناقشه‌ی لفظی - که علم قابل تولید نیست! امروز این به صورت یک گفتمان قطعی در آمده؛ شماها گله‌مندید از این که این کار در مقطع خاص خودش پیش نمی‌رود، این خیلی پیشرفت است. بنابراین بایستی کار کرد و کار کنید؛ فکر کنید؛ حتماً تأثیر دارد. ۹۰/۷/۱۳



۲- می‌گفتند این پیشرفت هادروغ است

یک شخص عزیزی همان اوالتی که این قضیه‌ی هسته‌ای و سانتریفیوژ و این حرف‌ها باب شده بود و مکرر گفته می‌شد، در یک نامه‌ای به من نوشت که آقا... اینهایی که می‌آیند به شما گزارش می‌دهند، احرف [اینهارا] باور نکنید، اینها واقعیت ندارد، اینها خلاف واقع است!... بعد از چندین سال، چندی قبل اینجا یک جلسه‌ای بود که بعضی از دوستان این جلسه هم در آن حضور داشتند، همان شخص عزیز به من رو کرد و گفت که در دانشگاه‌های ما از این پیشرفتهایی که این جوان‌ها دارند انجام می‌دهند استقبال نمی‌شود و شروع کرد شکایت از این طرف قضیه که حالا جوان‌های مادرند کارهای زیادی انجام می‌دهند و استقبال نمی‌شود. من یادم آمد از آن حرفی که ایشان سال‌ها پیش به من گفته بود که این پیشرفته‌ها دروغ است. نه آقا، این پیشرفته‌ها راست است. ۹۲/۹/۱۹

۳- کار به صورت جهشی پیش رفت

خوشبختانه مسئله‌ی فناوری نانو یک تجربه‌ی موفق است برای کشور ما؛ و نشان‌دهنده‌ی این است که وقتی یک مجموعه‌ی علاقه‌مند و دلسوز و با معرفت به کار متمرکز می‌شوند بر روی یک نقطه‌ی خاصی و کار را با برنامه پیش می‌برند، پیشرفتهای محسوس و جهش‌واری در آن کار به وجود می‌آید. پیشرفت کار فناوری نانو در واقع برای ما علاوه بر اینکه خودش ارزش دارد، از این جهت هم که یک نمونه‌ای است که ما بتوانیم در همه‌ی کارهای کشور از این نمونه تبعیت کنیم و آن را معیار قرار بدهیم، برای ما ارزش دارد. ما تقریباً ده سال پیش با مجموعه‌ی ستاد نانو یک ملاقاتی داشتیم؛ گزارشی به من دادند و موضوع نانو را برای ما تشریح کردند؛ مشغول شدند و پیشرفت کردند. امروز خوشبختانه می‌بینیم مادر این مقوله‌ی علمی و تحقیقی جهش به وجود آمده؛ یعنی کار به صورت جهشی پیش رفت. ۹۳/۱۱/۱

هر چه ما عقب‌نشینی کردیم، آنها جلو آمدند... تا بالاخره به هیئت ایرانی گفتند آقا، تضمینی که شما باید بدهید، فقط به یک شکل حاصل می‌شود و آن این است که تمام تأسیسات هسته‌ای تان را جمع کنید؛ همه را جمع کنید! کاری شبیه کاری که لیبی انجام داد... حتی ما برای اینکه یک یا دو یا سه سانتر فیزیو داشته باشیم، بحث می‌کردیم و می‌گفتند نمی‌شود! موافقت نمی‌کردند که ما یک سانتر فیزیو یا دو سانتر فیزیو یا سه سانتر فیزیو داشته باشیم، بعد، ما دیدیم اینها خیلی دارند زبانی حرف می‌زنند، زیادی پُرویی می‌کنند، واقعا دندون و قاحت می‌کنند، گفتیم پس بازی تمام؛ مَهر و موم‌ها را شکستیم... از سه‌ونیم درصدی که اینها اجازه نمی‌دادند حرکت کردیم و جوان‌های مؤمن ما توانستند غنی‌سازی بیست درصد را تأمین کنند... وقتی که به اینجار رسیدیم، اینها آمدند با اصرار، به یک معنا با التماس به ما گفتند که خیلی خب، حالا شما بیا بپذیرید قبول کنید که بیست درصد را انجام ندهید، مثلاً پنج هزار یا شش هزار سانتر فیزیو داشته باشید - حالا اینها همان‌هایی بودند که سه سانتر فیزیو یا دو سانتر فیزیو را هم اجازه نمی‌دادند - [آمی گفتند] عیب ندارد؛ بیا بپذیرید غنی‌سازی بکنید، مثلاً شش هزار سانتر فیزیو داشته باشید یا فلان مقدار غنی‌سازی سه‌ونیم درصد را داشته باشید. ۹۷/۳/۲

● به اروپای می‌توان اعتماد کرد؟

البته «مبنای دعوا کردن با اروپایی‌ها را نداریم؛ با این سه کشور اروپایی بنای معارضه و مخالفت و بگو مگو نداریم، اما واقعیت‌ها را باید بدانیم. این سه کشور نشان داده‌اند که در حساس‌ترین موارد با آمریکا همراهی می‌کنند و دنبال آمریکا حرکت می‌کنند. حرکت زشت وزیر خارجه‌ی فرانسه در جریان مذاکرات را همه یادشان هست؛ در بازی «پلیس بد و پلیس خوب» می‌گفتند او نقش «پلیس بد» را ایفا می‌کند؛ البته قطعاً با هماهنگی آمریکایی‌ها بود؛ یا برخورد انگلیس‌ها در قبال حق خرید کیک زرد که مسلم شده بود و قطعی شده بود و در برجام پیش‌بینی شده بود که ما از یک مرکز و محلی کیک زرد تهیه کنیم و بخریم و بیاوریم، آن‌ا [انگلیس‌ها جلوی‌شان را گرفتند؛ یعنی اینها با آمریکا همکاری می‌کنند، همراهی می‌کنند؛ تاکنون این جور بوده. این هم یک تجربه است؛ این را فراموش نکنیم. اینها در مقام حرف یک چیزهایی می‌گویند اما در مقام عمل، تا الان ما ندیده‌ایم - یعنی به نظر من تا الان ما این را مشاهده نکرده‌ایم؛ بنده یاد نمی‌آید - که اینها به معنای واقعی کلمه ایستاده باشند و در مقابل آمریکا از حق دفاع کرده باشند. ۹۷/۳/۲ از دل تجربه‌ی مذاکرات دهه‌ی ۸۰، و تجربه‌ی مهم مذاکرات برجام است که نگاه واقع‌بینانه و عقلانی اقتصادی می‌کند که نمی‌توان به حرف اروپایی‌ها نیز مانند حرف مقامات آمریکایی به سادگی اعتماد کرد. ●

۵- دشمن متحیر ماند!

سوخت راکتور تحقیقاتی تهران داشت تمام می‌شد، به ما گفتند باید بیایید اورانیوم ۳/۵ درصد تان را به فلان کشور بدهید تا او تبدیل کند به ۲۰ درصد؛ بعد او بدهد به فلان کشور، که او تبدیل کند به سوخت؛ بعد با اجازه‌ی آقایان دنیا، این سوخت بیاید داخل؛ یعنی از چندین خان بگذرد، که قطعاً هم نمی‌گذشت. اگر چنانچه ما می‌خواستیم سوخت هسته‌ای را برای همین راکتورهای تحقیقاتی که در اینجا داریم، از اینها بخریم، تا ملت ایران را ذلیل و تحقیر نمی‌کردند، ذره‌ای از آن را به ما نمی‌دادند... جوان‌های ما آمدند کار تحقیقاتی کردند و سوخت ۲۰ درصد را خودشان درست کردند. بعد آنها خیال می‌کردند که ما نمی‌توانیم صفحه‌ی سوخت و میله‌ی سوخت درست کنیم؛ اما جوان‌های ما درست کردند و کار گذاشتند. ۹۷/۱۲/۲۱ در سال ۹۰ اورانیوم غنی‌شده‌ی بیست درصد را اینها برای سایت هسته‌ای تهران تولید کردند و آن را به دنیا اعلام کردند؛ دشمنان ما ماندند متحیر! ۹۷/۱/۱

۴- اول انکار می‌کردند!

ا در رابطه با پیشرفت‌های سال ۹۱ [یعنی همین سالی که خواستند بر ملت ایران سخت بگیرند، جوانان عزیز ما، دانشمندان ما ماهواره‌ی ناهید را به فضا فرستادند؛ کاوشگر پیشگام را با موجود زنده به فضا فرستادند؛ جنگنده‌ی فوق پیشرفته ساخته شد. اهمیت هر کدام از اینها به قدری است که جادارد یک ملت برای هر یک از اینها اظهار خوشحالی و خرسندی کند، برایش سرود بسازند، جشنواره درست کنند... وقتی که این موجود زنده به فضا فرستاده شد و سالم برگشت، آنقدر این قضیه برای دانشمندان دنیا و ناظران بین‌المللی تعجب‌آور بود که اول انکار کردند؛ ولی بعد که دیدند چاره‌ای نیست و حقایق و نشانه‌های درستی و واقعیت را مشاهده کردند، مجبور شدند که قبول کنند. ۹۲/۱/۱

۶- این استعدادها شناخته شده نبود

من فراموش نمی‌کنم؛ بنا بود یک نیروگاه گازی را یک جایی بسازند - از قبل از انقلاب نیمه‌کاره مانده بود - به مسئولینش می‌گفتم این کار را انجام بدهید؛ آمدند پیش من - من آن وقت رئیس جمهور بودم - گفتند آقا اصلاً امکان ندارد. آنها باورشان نمی‌آمد. خب، امروز مهندسين کشور ما، جوانان ما، پیشرفته‌ترین نیروگاه‌ها را در شکل‌های مختلف، در انواع مختلف خودش دارند می‌سازند. ما امروز می‌توانیم نیروگاه هسته‌ای بسازیم. این استعدادها شناخته شده نبود. ۹۰/۷/۲۶



۷- رویان اینجوری رشد کرد

مؤسسه‌ی رویان، یک مؤسسه‌ی موفق و یک نمونه‌ی کامل و چشمگیر از آن چیزی بود و هست که انسان آرزویش را دارد... رویان هم با کمک او و بقیه‌ی همکارانی که در رویان از اول مشغول بوده‌اند، اینجوری بارآمد؛ اینجوری رشد کرد؛ اینجوری روئید. و من این را از اوائل کار احساس کردم. آن دوست مشترک من و مرحوم کاظمی که شرح قضایای کاری ایشان را در آغاز کار - پانزده شانزده سال قبل - و درخواست‌های او را با من مطرح کرد، من نشانه‌های یک حرکت درست را در این کار احساس کردم؛ لذا گفتم من در حد مقدور خودم در خدمت این کار و پشتیبانی این کار قرار می‌گیرم. هر چه زمان گذشت، آن ظن اولی تقویت شد؛ تکذیب نشد. ۸۶/۴/۲۵

۸- در دنیای سابقه بود

حدود یک ماه قبل در همین حسینیه نمایشگاهی تشکیل دادند و از بین صدها تازه‌ی علمی، پنجاه و یکی دوتا از تازه‌های علمی را آوردند اینجا. صاحبان علمی بعضی از طرح‌ها گزارش دادند که بعضی از این‌ها در کشور بی سابقه است و بعضی در دنیا بی سابقه است؛ شاید حدود دوتا یا سه تا از این‌ها در دنیا بی سابقه است. این را باید آدم انکار کند؟! سال گذشته بود یا اندکی قبل از یک سال که از چندین کشور پیشرفته‌ی دنیا آمده بودند اینجا، پیشرفت‌های علمی و فناوری و تحقیقاتی ما را دیدند. وقتی مصاحبه‌های این‌ها را پخش کردند، این‌ها می‌گفتند اگر ما ندیده بودیم، باور نمی‌کردیم که ایران به یک چنین جایی دست پیدا کرده باشد. ۸۷/۶/۱۹

